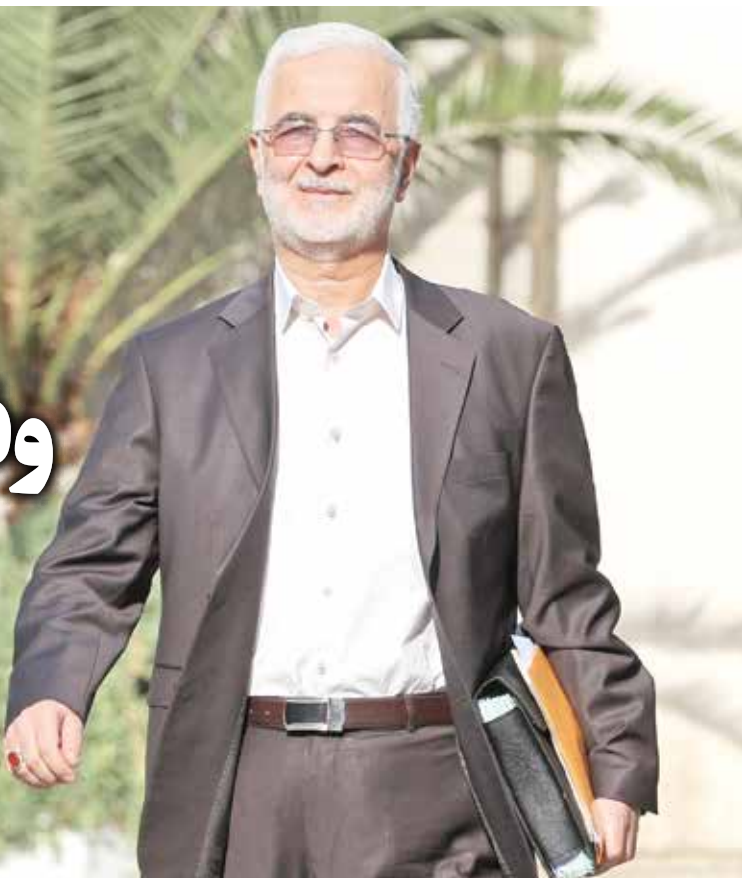




اسکندر مؤمنی، وزیر کشور در گفت‌وگو با «ایران»:

وفاق مقوم انسجام‌شد

تفویض اختیار به استانداران اگر نبود خیلی از کارهای مردم روی زمین می‌ماند

• گفت‌وگو •

الهام یوسفی- گروه سیاسی / دولت مسعود پزشکیان در حالی فعالیت خود را آغاز کرد که

کشور با مجموعه‌ای از بحران‌ها و چالش‌های کم‌سابقه در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو بود؛ از ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران و تبعات امنیتی آن گرفته تا وقوع دو جنگ تحمیلی در فاصله کمتر از یک سال و تلاش مستمر دشمن برای ایجاد شکاف، اختلاف و دوگانگی در جامعه و ساختار سیاسی کشور. در چنین شرایطی، مدیریت امور داخلی و حفظ ثبات و آرامش کشور به یکی از مهم‌ترین آزمون‌های دولت وفاق ملی تبدیل شد؛ آزمونی که وزارت کشور به عنوان متولی اصلی مدیریت سیاسی، اجتماعی، امنیت داخلی و امور استان‌ها، بخش مهمی از بار آن را بر دوش داشت. در این میان، عملکرد وزارت کشور در دو سال گذشته و بویژه در جریان بحران‌ها و جنگ‌های اخیر، از منظر نحوه مدیریت استان‌ها، حفظ امنیت عمومی، صیانت از مرزها، تأمین نیازهای اساسی مردم و جلوگیری از شکل‌گیری خلأهای مدیریتی، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. حفاظت از جان و مال مردم، تأمین

است بر اساس این رویکرد، از تمامی ظرفیت‌های موجود در کشور برای تقویت همبستگی ملی استفاده کند. شعار «وفاق ملی» دولت دکتر پزشکیان نیز زمینه همبستگی بیشتر در روزهای سخت جنگ تحمیلی، حضور و همراهی افشار مختلف جامعه، اعم از اقوام، مذاهب و جریان‌های سیاسی را فراهم کرد. در طول این مدت نیز حفظ انسجام و یکپارچگی ملی به‌طور مستمر از طریق ابلاغیه‌ها و مصوبات در سطوح مختلف مورد تأکید قرار گرفت؛ بویژه در زمینه تجمعات شبانه تلاش می‌ا این بود که این برنامه‌ها و اقدامات، بیشترین میزان انسجام را ایجاد کرده و پیام وحدت، یکپارچگی و دفاع از کشور را به جامعه منتقل کند. چرا که امروز همه ما در میدان روایت و تبیین واقعیت‌های جنگ علیه ملت ایران مسئولیت داریم. هر اقدامی که به تضعیف انسجام ملی، ناآمدی‌سازی مردم یا تخریب مسئولان منجر شود، برخلاف منافع ملی است.

هم در ایام جنگ تحمیلی ۱۲روزه و هم جنگ‌رمضان جابه‌جایی تعداد زیادی از شهروندان و بویژه تمرکز بیش از حد جمعیت در استان‌های شمالی، یکی از نمودهای برجسته شرایط پال‌لتهاپ بود. با این حال، شاهد مشکل حادی مانند کمبود محسوس کالا، درگیری در فروشگاه‌ها، مشکل جدی در تأمین بنزین یا بروز مسائل امنیتی نبودیم. وزارت کشور چگونه این وضعیت را مدیریت کرد و آیا از قبل پیش‌بینی و آمادگی لازم وجود داشت؟

در حوزه اقتصادی، یکی از اولویت‌های اصلی، اطمینان از استمرار تأمین و توزیع کالاها ی اساسی بود. در حوزه توزیع کالا، کارگروه‌های تنظیم بازار در سطح ملی و استانی به‌صورت مستمر فعال بودند و با نظارت بر زنجیره توزیع و مقابله با احتکار، از ایجاد کمبود جلوگیری کردند. برای نمونه، استانداران سیستان و بلوچستان و آذربایجان



غربی در تأمین و توزیع کالا برای سایر استان‌ها نیز مشارکت داشتند. در کنار آن، تدابیر لازم برای مقابله با اقدامات دشمن در مسیرهای دریایی و جلوگیری از اختلال در روند تأمین کالا نیز پیش‌بینی و اجرا شد. ایران بزرگ محاصره‌ناپذیر است. در همین راستا وزارت کشور نیز با صدور دستور به استانداران مرزی، بر استفاده حداکثری از ظرفیت‌های قانونی، تقویش اختیارات و ابتکارات لازم برای تأمین نیازهای کشور تأکید کرد. معاونت هماهنگی امور اقتصادی و زارتخانه نیز گزارش روزانه استان‌ها را اخذ می‌کرد و هماهنگی‌های لازم را با دیگر وزارتخانه‌ها و دستگاه‌ها در مرکز انجام می‌داد. در حوزه تأمین کالاهای اساسی و مواد اولیه صنایع، اختیارات کم‌سابقه‌ای به استانداران داده شد تا بتوانند از ظرفیت سایر استان‌ها و همچنین کشورهای همجوار برای تأمین نیازهای خود استفاده کنند.

در دوران جنگ، استانداران خط مقدم مدیریت بحران در داخل کشور بودند و این مساله تا حد زیادی از طریق تفویض اختیار محقق شد و می‌توان گفت عملکرد استانداران خودش تا حدود زیادی پاسخ‌متقدان این طرح را داد. بفرمایید مشخصاً چه اختیاراتی در دوره جنگ به استانداران تفویض شد؟

تجربه دوران جنگ نشان داد که تفویض اختیار به استانداران، سیاستی درست و کارآمد بوده است. اگر این اختیارات وجود نداشت، بسیاری از مسائل مربوط به زندگی مردم روی زمین می‌ماند. استانداران، بویژه در استان‌های مرزی، توانستند در حوزه تأمین کالا، تجارت و مدیریت امور مردم، با سرعت بیشتری تصمیم‌گیری و اقدام کنند. تجربه جنگ نشان داد که تفویض اختیارات بویژه در حوزه‌های اجرایی، می‌تواند موجب گردش‌بایی، تسریع امور و استفاده بهتر از ظرفیت‌های کشور شود. این رویکرد، همان‌طور که مورد تأکید رهبر شهیدمان و همچنین رئیس‌جمهوری محترم بوده، باید همچنان ادامه پیدا کند تا ظرفیت‌های محلی برای اجرای شایسته امور آزاد شود. البته ممکن است وزارتخانه‌ها و دستگاه‌هایی، همچون تمامی ادوار گذشته، مقاومت‌هایی داشته باشند، ولی تصور می‌کنم با نتایج

مثبتی که در ایام جنگ از تفویض اختیار شاهد بوده‌ایم، همگان به ضرورت این مهم پی برده باشند.

در ارزیابی‌های بعد از دوره تأثیرش، آیا مواردی در مدیریت استان‌ها وجود داشت که آسیب‌شناسی شده باشد و حالا بخواهید آنها را اصلاح کنید؟ آیا استانداران همه پای کار بودند و اینکه موردی بوده که به دلیل کم‌کاری، بی‌توجهی یا بی‌مسئولیتی، به استانداری تذکر یا خطاری داده باشد؟

اینکه آیا بعد از آتش‌پس آسیب‌شناسی شده یا نه، باید بگویم بله؛ ما هم بعد از جنگ تحمیلی ۱۲روزه و هم بعد از جنگ رمضان، به‌صورت مفصل ارزیابی‌هایی درباره استان‌ها و وقایعی که در زمینه‌های مختلف اتفاق افتاده، انجام دادیم. اولین موضوع، آسیب‌های واردشده به زیرساخت‌ها و اماکن مردم بود. این موارد آسیب‌شناسی شد و تدابیری صورت گرفت تا حتی نسبت به جنگ تحمیلی ۱۲روزه، ترمیم زیرساخت‌ها، اسکان مردم و توجه به زندگی و امنیت آنها با سازوکارهایی که تدبیر شده بود با اولویت و سرعت بیشتری انجام شود. این آسیب‌شناسی هم بعد از جنگ صورت گرفته و هم در استان‌ها و هم در وزارت کشور، در حوزه‌های مختلف انجام شده است؛ در حوزه بحران، سازمان بحران، حوزه اقتصادی و حوزه‌های سیاسی. اجتماعاً، این موارد دسته‌بندی و به عنوان یک تجربه ثبت شده است. نظر استانداران و دستگاه‌های دیگر اخذ شده و گزارش‌های مردمی نیز در این حوزه کاملاً مورد توجه قرار گرفته است. تشکل‌های مردمی، احزاب و گروه‌های سیاسی و حتی دستگاه‌های نظارتی نیز مورد توجه بوده‌اند و نقایض و آسیب‌هایی که وجود داشته، به‌صورت جدی بررسی شده است. امیدواریم این تجربه‌ای باشد که اگر خدای‌نخواهد در شرایط دیگری شبیه به این موضوع‌ها قرار گرفتیم، بتوانیم اشتباهات یا کاستی‌های موجود را به حداقل برسانیم. در رابطه با اینکه آیا تذکراتی به مسئولان استانی داده شده، این موضوع طبیعی است که چه در طول جنگ، به‌صورت برجسته‌تر و چه در روال عادی مدیریت استان‌ها، ارزیابی به‌صورت دائمی انجام می‌شود. هم بازرس‌های سرزده از استان‌ها صورت می‌گیرد و هم استانداران و مدیران استانی به خاطر کارهایی که انجام داده‌اند، مورد تقدیر قرار می‌گیرند. من خودم شخصاً و البته معاونان محترم وزارت کشور، بعضاً در طول جنگ به‌صورت مکرر و مستمر با استانداران تماس می‌گرفتم، به آنها حقوق‌های منگتم می‌دادم و کارهای تقدیرمی‌کردیم. احیاناً اگر هم گزارش‌های مردمی می‌رسید که در جایی نیاز به توجه بیشتر استانداران و مسئولان استانی بود و باید اقدامات جدی‌تری انجام می‌گرفت، این موارد نیز به‌موقع به استان منعکس می‌شد. بـا اینکه خود مدیریت دوره جنگ نیز در کنار سایر شاخص‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت و نتایج این ارزیابی به استانداران اعلام شد؛ هم نقاط قوت منعکس و از آنها تشکر شد و همچنین اگر جایی نیاز به توجه جدی‌تر یا نقاط ضعفی وجود داشت، آن موضوع نیز بیان شد و برای ادامه مدیریت هر استان مورد توجه قرار گرفت.

مهم‌ترین درس آموخته‌یک سال گذشته که کشور درگیر دو جنگ بود، از دیدگاه شما چه بوده است؟

می‌توان گفت مهم‌ترین درس آموخته یک سال گذشته صیانت از تمامیت ارضی کشور و پاسداری از تمدن ایران بوده است. مردم ایران مردمی یکپارچه، منسجم، یکپزگ و غیرتمند هستند و در این شرایط نشان دادند که ایران و حفظ تمدن ایران برای آنها بسیار مهم است. آنها به یک دفاع مقدس همه‌جانبه پرداختند؛ چه آنهایی که در میدان نبرد مبارزه کردند، یعنی نیروهای سلحشور نظامی ما؛ چه مردمی که در میادین جمع می‌شدند؛ چه کسانی که در حوزه روایت‌سازی فعالیت می‌کردند. خبرنگاران عزیز نیز در این زمینه نقش مهمی داشتند. نخبگان ما با توثیق زدن، مقاله نوشتن و طرح مسائل در محافل بین‌المللی، هر کدام با هر توانی که داشتند، از ایران دفاع کردند. لره‌ای غیور ما نیز با روحیه و وسایل دفاعی شخصی خود، مثلاً سلاخی که برای حفاظت از دام‌هایشان در مناطق عشایری داشتند، در برابر هواپیماهای دشمن ایستادند و شلیک کردند. اینها در واقع صحنه‌هایی هستند که درس‌های بزرگی در خود دارند و در تاریخ می‌ماند. البته ایرانیان چنین سوابقی را در تاریخ بسیار دارند. نکته دیگر این است که همه ما باید بدانیم نیروهای نظامی و توانمندی نظامی و موشکی ما سرمایه ملی هستند. نیروهای مسلح ما، از سپاه و ارتش و سایر نیروها گرفته تا بسیج و نیروی انتظامی، فراجا و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، سرمایه‌های ملی ما هستند که باید از آنها دفاع کنیم، قدرشان را بدانیم و از آنها محافظت کنیم. اینها سرمایه‌های ملی و متعلق به همه مردم ایران هستند و به نظرم مردم قدر آنها را می‌دانند. هم مردم باید به عنوان سرمایه ملی از آنها دفاع کنند و هم خود نیروهای مسلح، الحمدلله، به‌گونه‌ای رفتار کردند که در کنار مردم و در میدان، اقتضای دردتان اینها درس‌ها و تجربه‌های ارزشمندی هستند که می‌توان درباره آنها کتاب‌ها نوشت و با افتخار در تاریخ به ثبت رساند و قاعدتاً این روایت‌ها شکل خواهد گرفت.

• یادداشت •

انسجام ملی در دوران پساجنگ: ظرفیت‌ها و آزمون‌های پیش‌روی دولت چهاردهم



محسن مسعودیان

پژوهشگر و مدرس دانشگاه

طی یک سال گذشته، جامعه ایران همزمان با چند بحران درهم‌تنیده مواجه بوده است: جنگ‌های تحمیلی ۱۲روزه و ۴۱روزه با ائتلاف آمریکا و اسرائیل موسوم به جنگ رمضان در اسفند ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵، تشدید تحریم‌های اقتصادی، بازگشت محاصره دریایی در تنگه هرمز و اختلال در ترانزیت نفت و کالا، و در کنار همه اینها، توری که بر اساس برآورد صندوق بین‌المللی پول در سال گذشته به حدود ۵۰.۹ درصد رسید و برای سال جاری نیز با لا پیش‌بینی می‌شود. این ترکیب از تهدید امنیتی و فشار معیشتی، پرسشی جدی را پیش روی جامعه‌شناسان سیاسی و سیاست‌گذاران قرار داده است: آیا انسجامی که در بزنگاه‌های بحرانی شکل می‌گیرد، می‌تواند در دوران پسابحران نیز تداوم یابد و دولت در این میان چه نقشی ایفا می‌کند؟

انسجام اجتماعی: از واکنش هیجانی تا سرمایه‌پایدار

در ادبیات جامعه‌شناسی کلاسیک، تهدید خارجی معمولاً یکی از قوی‌ترین محرک‌های همبستگی درونی جوامع شناخته می‌شود؛ آنچه دورگیم آن را همبستگی مکانیکی برخاسته از احساس مشترک خطری می‌نامید. نظرسنجی‌های انجام‌شده توسط نهادهایی نظیر مرکز افکارسنجی خبرگزاری دانشجویان ایران در فاصله جنگ ۱۲روزه سال ۱۴۰۴ و جنگ رمضان نشان داده‌اند که برخلاف پیش‌بینی برخی تحلیل‌گران مبنی بر تشدید قطبی‌شدگی اجتماعی، آنچه در عمل رخ داد بازگشت به ارزش‌های مشترک هویتی و افزایش همدلی میان افشار مختلف بود؛ روندی که پژوهشگران عمدتاً ریشه آن را در احساس میهن‌دوستی، همبستگی انسانی و پیوندهای مذهبی و فرهنگی جست‌وجو کرده‌اند. با این حال، نکته کلیدی در ادبیات جامعه‌شناسی بحران این است که همبستگی برخاسته از تهدید، ماهیتی موقت و واکنشی دارد و تنها در صورتی به سرمایه اجتماعی پایدار بدل می‌شود که نهادهای رسمی، بویژه دولت، آن را در قالب سیاست‌گذاری‌های ملموس تثبیت کنند.

رویکرد دولت چهاردهم: پرهیز از دوقطبی‌سازی

مسعود پزشکیان از آغاز دولت چهاردهم بارها بر ضرورت انسجام داخلی به عنوان پیش‌شرط عبور از فشارهای بیرونی تأکید کرده و اختلاف نظر کارشناسی را امری طبیعی دانسته، اما هشدار داده که این اختلاف نباید به شکاف و رویارویی اجتماعی بدل شود؛ رویکردی که در گفتمان رسمی دولت با عنوان وفاق ملی شناخته می‌شود.

رئیس‌جمهوری در سخنان اخیر با اشاره به اینکه دولت از همان آغاز کار خود همزمان با جنگ، تحریم، ترور و ناترازی‌های ساختاری در حوزه‌های آب، برق، گاز و نظام بانکی روبه‌رو بوده، بر ضرورت حفظ همدلی میان مردم و حاکمیت تأکید کرده است. در سطح سیاست‌گذاری نیز تلاش‌هایی مانند بگیری الحاق به کنوانسیون‌های مالی بین‌المللی، پالرمو و CFT، و رفع برخی محدودیت‌های فضای مجازی را می‌توان تلاش برای پاسخ به مطالبات اجتماعی دانست که در بستر همان انسجام دوران بحران مطرح شده بودند.

چالش محاصره اقتصادی: آزمون سخت انسجام

با این‌همه، تداوم محاصره دریایی در تنگه هرمز و اختلال در صادرات نفت، هزینه حمل‌ونقل دریایی در برخی مسیرها را تا چند برابر افزایش داده و نرخ بیمه کشتیرانی در مناطق پرریسک را نیز بالا برده است. صندوق بین‌المللی پول برای اقتصاد ایران در سال جاری اقباضی نزدیک به ۲.۸ درصد پیش‌بینی کرده، در حالی که نرخ بیکاری نیز رو به افزایش گذاشته است. این شرایط، گسل بالقوه‌ای میان همبستگی هویتی و امنیتی و مطالبات معیشتی روزمره مردم ایجاد می‌کند. بخشی از افکارعمومی و برخی صاحب‌نظران اقتصادی به‌درستی یادآوری می‌کنند که جامعه‌ای که در روزهای بحران از کشور خود دفاع کرده، اکنون به‌طور طبیعی انتظار دارد نشانه‌های محسوس‌ی از بهبود معیشت، کاهش نااطمینانی اقتصادی و روشن شدن افق آینده را ببیند. اگر این انتظار بی‌پاسخ بماند، همان انسجامی که در روزهای جنگ شکل گرفت می‌تواند به‌تدریج جای خود را به نارضایتی دهد.

نقد متوازن: میان دستاورد و کاستی

انصاف حکم می‌کند که نقش دولت در مدیریت بحران امنیتی و جلوگیری از فروپاشی نظم اجتماعی در بحبوحه جنگ را نادیده نگرفت. بخش قابل‌توجهی از افکارعمومی نیز عملکرد دولت در تأمین نیازهای پایه جامعه در دوران جنگ را مثبت ارزیابی کرده‌اند.

اما در عین حال، منتقدان دولت به‌درستی تأکید می‌کنند که



مسئولیت شرایط اقتصادی کنونی را نمی‌توان یکسره به عامل جنگ و تحریم فروگاست و بخشی از ناترازی‌های ساختاری در حوزه انرژی، ازرو نظام بانکی پیش از بحران‌های اخیر نیز وجود داشته است. رسانه‌های منتقد دولت بر این نکته تأکید می‌کنند که وعده‌های دیپلماتیک بدون دستاورد ملموس اقتصادی می‌تواند به فرسایش تدریجی اعتماد عمومی بینجامد. این نقد‌ها، ولو با لحنی متفاوت از روایت رسمی، بخشی ضروری از گفت‌وگوی دموکراتیک درباره مسیر پیش روی کشور است و نباید در سایه گفتمان انسجام ملی به حاشیه رانده شود.

از انسجام هیجانی به انسجام نهادی: ضرورت سرمایه‌گذاری اجتماعی

آنچه ادبیات جدید سیاست‌رفاهی، بویژه رویکرد سرمایه‌گذاری اجتماعی که نظریه‌پردازانی چون همریک آن را صورت‌بندی کرده‌اند، بر آن تأکید دارد، این است که انسجام اجتماعی پایدار نه صرفاً محصول لحظات هیجانی دفاع از میهن، بلکه نتیجه سرمایه‌گذاری مستمر در سرمایه انسانی، شبکه‌های حمایتی و عدالت توزیعی است. برای دولت چهاردهم، این بدان معناست که گفتمان وفاق ملی باید با اقدامات ملموس در حوزه کنترل تورم، حمایت هدفمند از افشار آسیب‌پذیر و شفافیت در سیاست‌گذاری اقتصادی همراه شود. در غیر این صورت، این ریسک وجود دارد که انسجام برخاسته از بحران امنیتی، به بحران معیشتی بعدی رگ بپازد. تجربه ایران در دوران پس از جنگ رمضان، نشان داد که جامعه ایرانی در برابر تهدید بیرونی ظرفیت قابل‌توجهی برای همبستگی از خود نشان می‌دهد. اما پایداری این انسجام، آزمونی است که در میدان اقتصاد و معیشت روزمره، نه در میدان نظامی، سنجیده خواهد شد. دولت چهاردهم اگر بتواند گفتمان وفاق ملی را با سیاست‌های اقتصادی مؤثر و شفاف تلفیق کند و در عین حال فضا را برای نقد و گفت‌وگوی سازنده باز نگه دارد، می‌تواند این سرمایه اجتماعی گرانبها را از یک واکنش موقتی به بحران، به یک دستاورد نهادی و بلندمدت برای کشور بدل سازد.